مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی
سال سوم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۹۹
ISSN: ۲۵۸۸-۶۹۶۷
www. jonahs.ir

مطالعه تطبیقی نقش های قالی کلاردشت با نقش های قالی ترکمن با رویکرد اسطوره شناسی

عطیه نتاج مجد [۱] ، فاطمه نجف نیا ملکشاه [۲]

[۱] عضو هیات علمی موسسه طبری بابل (نویسنده مسئول)
[۲] کارشناس ارشد پژوهش هنر موسسه طبری بابل

چکیده

قالی بافی ازهنرهای بومی و منطقه ای ایرانیان با سابقه ای بسیار کهن است که در آن سلیقه هنرمندان ایرانی به خوبی مشاهده می گردد.فرش یکی از مهم ترین هنرهای ایرانیان از دیر باز تا کنون بوده است که ریشه در فرهنگ و تمدن غنی ایران داشته که با طبیعی ترین علایق و عواطف و احساسات انسانی مانوس است.فرش ایرانی بدلیل استفاده از ماده خیال از محتوای هنری برخوردار است که به واسطه آن پیوند ناگسستنی با هنر های تجسمی و فرهنگ تصویری ایرانی دارد.فرش از جمله هنر هایی است که در تعامل بی واسطه با طراحان و بافندگان شکل میگیرد .با نگاهی به کتاب هایی که در این زمینه تالیف شده اند شاهکارهایی از این هنر را میتوان دید وبا مقایسه تطبیقی نقش در فرش کلاردشت و فرش ترکمن در میابیم که تناسبات و تفاوت هایی که در این داده ها و تصاویر وجود دارند منحصر به فرد میباشند .نقش و طرح در فرش دستباف کلاردشت و ترکمن متاثر از شرایط اقلیمی و فرهنگی و تاریخی و همچنین بافت تصویری منطقه دارد و بافندگان با توجه به برداشت ها و باورهای خود نقش و طرح و رنگ خاصی را که حاوی پیام و مفاهیم آشکار و نهان هستند رابر روی بافته های خود به تصویر میکشند. این تحقیق از نوع بنیادی است و به روش توصیفی تحلیلی است. در این تحقیق تلاش شده بعد از شناسایی نقوش و طرح درقالی های کلاردشت و ترکمن ،شباهت ها و تفاوت های آنها در نقش و طرح مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: قالی، نقش قالی، قالی کلاردشت، قالی ترکمن، اسطوره

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

قالی های ایرانی نشانگر نوع زندگی ایرانیان و شیوه ای از جهان بینی و اعتقادات و آداب و رسوم و هنر خالقان آنها می باشد.هرتسفلد در سفر باستان شناسی خود اشاره می کند ،غنیمتی هنگفت در سال ۶۲۸هنگام غارت دستگرد نصیب هراکیلوس شد، بنا به روایت تئوفانس قیصر در آنجا..و فرش های زربفت و پارچه های ابریشمی و ...بدست آورد.معروف ترین فرش دستباف شمال ایران فرش کلاردشت میباشد که در آن نشانه های بارزی از فرهنگ مردم منطقه به چشم میخورد .قالی های ترکمن نیز از این قائده مستثنی نیستند. اما آنچه مسلم است هدف از این تحقیق این است که برای فهم این منظور بایستی این نقوش و طرح و رنگ را مورد مطالعه وبررسی و مقایسه قرار گیرند.در این مقاله سعی شده پس از آشنایی مختصری با قوم کلاردشت و ترکمن به مقاسیه تطبیقی انواع نقش و طرح و رنگ در قالی های این مناطق بپردازیم.طرح و نقش و رنگ از اصلی ترین عوامل در هنر زیبایی فرش ایران محسوب میشود و هر کدام در هر قوم و ملیت تفاوت ها و شباهت هایی دارد که باعث ظهور تصویری زیبا در ذهن مخاطب میشود .ما در این مقاله به مطالعه این تفاوت هاو شباهت ها به صورت کلی در فرش کلاردشت و ترکمن میپردازیم و انها را از لحاظ نقش و طرح و رنگ مورد بررسی قرار میدهیم به این صورت که چه طرح هایی بیشتر مورد استفاده قرار میگیرد و نقش ها به چه صورت در فرش نمایان است و رنگ های مورد استفاده و پسند مردم این مناطق چه تفاوت ها و شباهت هایی دارند.

پیشینه تحقیق:

در مورد قالی های ترکمن و کلاردشت مطالب گوناگونی وجود دارد کتاب نقش های ترکمن و اقوام و همسایه نوشته پژوهشگر ارجمند علی حصوری است که به معرفی تصویری قالی ترکمن پرداخته است. مقاله دیگری به عنوان ریشه یابی و سبک شناسی طرح و نقش در قالی ترکمن نوشته فرخنده نورایی در سومین کنفرانس ملی فرش دستباف ایران ۱۳۸۸در تهران ارائه گردیده است. در مورد فرش کلاردشت هم طبقه بندی طرح ها و نقش مایه های فرش کلاردشت نوشته دکتر سید علی مجابی و« کتاب تاریخچه کلاردشت »(علی ملک پور،۱۳۷۸،) و کتاب شهر کهن چالوس ،مولفین جعفر ولی پور ،سارا نوشیر.

روش تحقیق:

روش جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاظر به صورت کتابخانه ای و اسنادی است و به شیوه توصیفی تحلیلی انجام شده است .درابتدا کوشش شده تا به بررسی قالی های ایرانی و توضیح مختصری درباره آنها داده شده است و به اختصار تاریخچه اقوام کلاردشت و اقوام ترکمن پرداخته است .برای رسیدن به نتایجی که بتوان پرسش های مطرح شده را به آن پاسخ داد از منابع مکتوب ،کتابها و مقالات و منابع اینترنتی استفاده شده است .

جغرافیای کلاردشت:

کلاردشت از نظر تقسیمات کشوری یکی از بخشهای شهرستان چالوس محسوب میشود.این منطقه در غرب استان مازندران است.از دیدگاه لغوی «کلار»نام شهر و قلعه ای در این منطقه بوده است .با این حال کلار در گویش محلی مازندران به معنی غوک یا وزغ است و «لش»نیز به معنای زمین های باتلاقی وسیع بوده که زیستگاه این جانور محسوب شده و در این منطقه فراوان یافت میشود .از این رو بسیاری بر این عقیده هستند که اطلاق عبارت کلاردشت به این منطقه از این شرایط ناشی شده است.(متحدین،۱۳۸۱،دهخدا)

آغاز فرشبافی در کلاردشت:

در خصوص آغاز فرشبافی در کلاردشت سه نظریه متفاوت وجود دارد.بنا به نظریه اول ساکنین باستانی کلاردشت به دلیل مراوده با اقوام شمالی سکایی و سپس ورود آریایی ها به این منطقه قالی بافی را فرا گرفته و آن را نسل به نسل ادامه دادند. «از این روست که برخی را اعتقاد بر این است که یکی از اصلی ترین قالی های این منطقه بافته میشود،و این نوع قالی به دلایل جغرافیایی و همچنین به علت دارا بودن بافت درشت ،خرسک گونه و در نتیجه صادراتی و تجاری نبودن کمتر تغییرات نقش و طرح را به خود دیده است» (ژوله،۱۳۸۱) .سرما و خانه نشینی بودن زنان در این منطقه برای زمان طولانی و وجود مواد اولیه مناسب برای بافت قالی –وجود سوابق طولانی تری برای بافت قالی کلاردشت متحمل میسازد. از سویی دیگر سابقه قالی کلاردشت را به نیمه های قرن ۱۳ هجری نسبت داده و به جهت اشتراک نقوش و طرح فرش کلاردشت با فرشهای کردی ، ریشه آن را در کوچ اقوام کرد ، به این منطقه جست و جو می کند.در این خصوص ساختار هندسی فرش کلاردشت تشابه قابل توجه را با برخی از قالی های قدیمی سنندج نشان میدهد. اخرین نظریه د رخصوص آغاز فرش بافی در این منطقه ترکیبی از دو نظریه پیشین است.طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که فرشبافی در کلاردشت سابق ای طولانی داشته و با ورود اقوام کرد به این منطقه تحت تاثیر نقوش و فرهنگ بافت کردی قرار گرفته و امروزه تقریبا جزئی از جغرافیایی بافت فرش کردی محسوب می گردد. درگذشته که رواج قالی بافی در کلاردشت بسیار بیش از این بود.همانطور که طرح های شمله ، شاه عباسی،رسولی،شکری،صدف گل یا عینکی مرزقان از طرح های منسوخ شده و نایاب منطقه به شمار می روند.(فاطمه کاووسی) «در تحولاتی که در صد سال اخیر در فرش ایران پیش آمده است تاریخ آن در کتاب هی دیگر به تفضیل بیان شده .همواره بر این اصل تاکید شده است که تصور از فرش خوب و با ارزش ایرانی بدون نقش و رنگ های اصیل آن غیر ممکن است.هر دو این عنصر ارزش ماهیتی در فرش ایران را داشته اند و بی هیچ تردیدی تغییر رنگهای اصیل و کهن ایرانی در فرش-زیانی کمتر از از تغییر بیدلیل نقشهای بومی و اصیل ایرانی ندارد.»(حسن آذرپاد ،فضل الله حشمتی رضوی ،۱۳۷۲).

مشخصات قالی کلاردشت:

«فرش کلاردشت فرشی است که با رجشمار کمتر از ۲۰ گره (به طور متوسط ۱۵تا۲۰گره) با چله های پنبه ای و پود و پرزپشمی تولید میشود.البته اصالت فرش کلاردشت در اوایل قرن ۱۳ هجری حاکی از تمام پشمی بودن آن دارد که به مرور زمان تغییر یافته است »(مجابی ،۱۳۸۵) «در جغرافیای بافت استان مازندران ، منطقه کلاردشت با فرش های ضخیم و خرسک گونه شناخته شده است»(ملک پور ، ۱۳۷۸)فرش کلاردشت با گره فارسی ، بدون قلاب ، دو پود و نیم لول بر روی دارهای ثابت فارسی بافته میشود.ابزار بافت از نوع فارسی بر روی دار نیز به صورت فارسی و با دست بافته میشود.

طرح و نقش و رنگ در قالی کلاردشت:

طرح های قالی کلاردشت کاملا ذهنی باف بوده و بدون استفاده از نقشه بافته می شود ، پس از انقلاب و به منظور صادراتی کردن این فرش باره سعی شده است ذهنی باف بودن آن را تغییر داده تا بافت فرش متکی بر نقشه با رجشمار بالاتری در نتیجه ظریفتر باشد، که این امر با شکست مواجه شده و خوشبختانه در اصالت این فرش تغییری ایجاد نشده است.موتیف ها و طرح های قالی کلاردشت به صورت انتزاعی و برگرفته از محیط و زندگی اطراف قالیباف است. «معروف ترین قالی کلاردشت که به آن خرسک نیز گفته میشود در نقش هایش گویی طبیعت زیبا و در عین حال سخت کوهستانی متجلی میشود»(ملک پور،۱۳۷۸) .نقش مل چفته در حاشیه گلیم هرسین دقیقا در حاشیه نقش یک قالی قدیمی کلاردشت مشاهده می شود .از

دیگر نقوش قالی در کلاردشت میتوان نقوش جنگلی ، صندوقی ، رود بارکی-گل سینی ، عینکی ، چخماقی ، رسولی ، شمله، خرکی، شکری ، سیخ کبابی، و مزلقان اشاره کرد. گلهایی که در متن فرش کلاردشت استفاده می کنند عبارت اندز:ریسن گل(که به آن طناب رسن گویند)-شاخ نر،چنگ گربه،حلوا قجل(که یک نوع حلوا با کره محلی و عسل درست می شود)،نقش گوزن، گنجشک،شانه هیری،گل لاری،گل شاه عباسی،پیل مل یا پول گردن ،ماهی گل،گل چخماغ،لوله پنجهفپیچ پیچی ،گل سینی،میش دندان،گل پیاله،پتو گل،کریم خانی،چهار واز،گل شیری،پل بز(بز بدون شاخ)بز چلچله ای(بز شاخدار)مسیر کاه گل طرح های صندوقی قدیمی ترین نوع طرح در منطقه است.در تفسیر زیبایی شناسانه طرح های صندوقی گفته اند که یخدانهای قدیمی (که صندوق نامیده میشده)اصلی ترین جهاز هر دختری بوده که به خانه بخت می رفته است .صندوق در واقع مکانی بوده برای نگهداری سایر اجناس کوچکتر ، تزئینی و با ارزش جهیزیه اومرسوم بوده که یخدان را به نحوی در خانه قرار میدادند که در معرض دید کلیه ساکنین و مهمانان ورودی به خانه باشد تا بهای جهزیه دختر بیشتر نمایان گردد.مرزقان-قفقازی در کلاردشت معروف به پشتی هستند. طرح های گل شاه عباسی و لچک ترنج مدتی رواج داشته ولی چون شهر بافت بوده چندان مورد استقبال اقوام کلاردشت قرار نگرفت .در کل طرح ها برگرفته از طبیعت میباشد.سیخ کبابی (عینکی)در کلاردشت به طرح رسولی معروف هستند.«رنگزاهای طبیعی مصرفی در قالی کلاردشت شامل برگ درخت توت ،کاش (کاشفه)، برگ و ساقه های درخت ال ، نیل ،روناس، قرمزدانه و پوست گردو.که از این میان برگ درخت توت و برگ و ساقه های نازک درخت ال جز رنگهای اختصاصی منطقه و سایررنگزاها وارداتی محسوب میگردد» (حیدریان،۱۳۷۳-عابدینی،۱۳۸۶). گاهی بعضی از نقوش به صورت خود رنگ (همان رنگی که پشم گوسفند دارد)بدون رنگرزی پشم بافته میشود ،که امروزه به دلیل روی آوردن به رنگهای شیمیایی و استفاده از پشم دباغی شده بر کیفیت آن تاثیر منفی گذاشته است .در فرش کلاردشت از رنگهای سیر (تیره)استفاده میشود و پرکاربرد ترین انها رنگ سرمه ای و قرمز است . و بیشتر رنگ های مورد استفاده رنگهای مرده هستند.

موقعیت جغرافیایی قبایل ترکمن:

استان گلستان با بیش از ۲۰۰۰۰کیلومتر مربع وسعت از شمال به جمهوری ترکمنستان، از جنوب به استان های سمنان ، از غرب به استان مازندران و از شرق به استان خراسان محدود شده است...گلستان نام جدید سرزمینی است که در طول تاریخ و تا سده هفتم هجری به نام ایلات گرگانو از ان پس تا سده دهم هجری به نام استر اباد و در نوشته های دوران اولیه اسلامی به نام جرجان و از اسفند ۱۳۱۶ گرگان نامیده شده است.شهرستان ترکمن نیز در باختری ترین حد استان گلستان واقع شده است.ترکمنان علاوه بر بندر ترکمن ، در شهرهای گنبد کاووس ، آق قلا و گمیشان زندگی میکنند که مناطق بسیار وسیعی هستند ودر آن امرار معاش میکنند.

موقعیت فرهنگی و هنری قبایل ترکمن:

عمده ترین صنایع دستی رایج در استان گلستان قالی بافی است که صرفا در میان زنان ترکمن رایج است .زنان و دختران ترکمن از روزگاران بسیار کهن به قالیبافی اشتغال داشته و این هنررا از نسلی به نسل دیگر انتقال داده اند و نیز یکی از عمده ترین راههای معیشت در بین آنان بوده است . این قوم بیش از هر چیزی به فرش های خود علاقه مند هستند چرا که مایه ی شادی زندگی و کوچ نشینی آنها می باشند.به غیر از قالی بافی ، صنایع دستی دیگری نیز در آن منطقه رواج دارد مانند: ابریشم بافی که بخاطر فراوانی درخت توت و پرورش کرم ابریشم در استان گلستان ، در میان ترکمن ها رایج است.گلدوزی که در آن نخ ابریشم استفاده میشود. نمد مالی که بیشتر برای جل اسب و پوشاندن آن با نمد در زمستان و برای یورت که به معنای چادر است ، بکار میرود و سابقه ای نزدیک به چهارصد سال قبل میلاد دارد.با توجه به انچه ذکر شده صنایع دستی ترکمنان رابطه ای انکار ناپذیر با آداب و رسوم و فرهنگ قبایل ترکمن دارد .آنها آنچه را که اطراف خود میبینند به صورت نمادین در صنایع

دستی خود بکار میبرند.در فرش ترکمن ما به یک منبع زیبا شناختی از کار و تلاش گروهی بر میخوریم که طی نسل های متوالی گرد آمده است بهترین و زیبا ترین انها حفظ شده است و اگر خطری در کمین این بازمانده های گرانبها ی زمان های دور دست و کهنه باشد –همانا-شرایط تمدن و تاراجگری زندگی کنونی ماست.(بو گو لیوبوف) .امروزه صنایع دستی قبایل ترکمن ، به ویژه قالی بافی به دلیل اصالت نقوش و عدم تاثیر گذاری ممالک غربی جایگاه ویژه ای درسطح جهان پیدا کرده است .

بررسی نقشمایه های قالی ترکمن:

شیوه زندگی هر ملت و قومی آکنده از آداب و رسوم و عقاید و ایده ها و وقایع تلخ و شیرین میباشد.هر قومی به تناسب کار و زندگی خویش و نحوه ی نسبت به شیوه زیست میباشد.در ورای فرهنگ باید گفتهر ملتی برای خود حماسه و اسطوره ای داردکه برای آن ملت مقدس و قابل احترام هستند.حماسه در دل ملت جای دارد و ترکمن ها نیز مانند سایر اقوام بشری دارای سمبل های خود هستند که این سمبل ها تنها ویژه ترکمن ها نیست بلکه به نسبتی در کل جهان میتوان آن را به اقوام مختلف تعمیم داد .نمادگرایی و رمز پردازی از مفاهیمی است که امروزه نظر پژوهشگران زیادی را به خود جلب نموده .در یک تعریف ساده ، نماد چیزی است به جای چیز دیگر به کار میرود و نشان آن است که بر آن دلالت دارد.باز نمایاندن نقوش فرش ترکمن چیزی جز بررسی رابطه بین سمبل های طبیعی و جاری بین اقوام و نیز در ارتباط بین معماری ذهن زنان ترکمن با طبیعت پیرامون نیست .ترکمن ها این نقوش را «در فرهنگ کوچ نشینی خویش داشته و در مواردی از همسایگان خویش وام گرفته اند . بنابراین انتزاع و نماد گرایی و رمز پردازی کاملا در آنها مشهود است »(توماج نیا، ۱۲:۱۳۸۵)و این امر می تئاند در حالت کلی تر یک قائده برای مطالعات بیشتر روی فرش ترکمن باشد. «اقوام ترکمن جنگجو و بیابانگرد بودند که در پی قرون متمادی با مهاجرت های عظیمی که به طرف خاور میانهو جنوب شرقی آسیا داشته اند-باعث تحولاتی عظیم در این نقاط شدند.پس در صحراهای شمال ایران و در دواطراف آن ساکن شدند و از طوایف آن میتوان به سالور ، اساری، تکه ، یموتو ساریخ اشاره کرد که مهمترین آنها تکه و سالور هستند»(قره گوزلو همدانی ، ۳۲،۳۴،۱۳۷۱).

مشخصات فنی قالی ترکمن:

فرشهای ترکمن نسبت به سایر دست بافته ها در سبک های دیگر قالی ایران دارای ساختاری متفاوت میباشد.اگر چه این آثار از شکل کلی دستبافته های سبک عشایری ، خیلی به دور نمیباشد ، اما باز میتوان ادعا کرد که دارای ساختاری متفاوت و خاص هستند که معرف این تولیدات میباشند .به دلیل ساختار قومی حاکم در بین این گروه هر طایفه دارای گلهای شناخته شده با نام همان طایفه میباشد.و اغلب در کتب لاتین و فارسی ، فرش ترکمن را بر اساس نام طوایف و کل های مرتبط با انها بررسی نموده اند.چون اساسا نقش ها ذهنی بافت بوده و یا شاید به دلیل اینکه آموزش ، سینه به سینه بوده ، نقش دیگری برای بافت نیاموخته بودند.هر طرح تکراری واگیره ای-طرح محرابی که خود شامل :محرابی قندیلی ، محرابی گلدان ،محرابی درختی میباشد.«طرح باغی که برخی صاحبنظران قالیچههای ترکمن به نام قالیچههای انسی یا انگلیسی را در این گروه قرارمیدهند .طرح لچک ترنج و طرح محرمات »(ژوله ،۲۲،۱۳۸۱). امروزه صنایع دستی قبایل ترکمن بویژه قالی بافی به دلیل اصالت نقوش و عدم تاثیر گزاری ممالک غربی جایگاه ویژه ای در سطح جهان پیدا کرده است.اما به علت عدم رغبت به بافت قالی که ناشی از دستمزد پایین صادرات آن نسبت به سال ۱۳۷۳که اوج صادرات فرش ترکمن بوده کاهش یافته است .با این حال قالی ترکمن توسط مشتریان عمده فروش ترکمنی ، به کشور های آلمان ، کانادا و تعدادی از کشورهای آفریقایی صادر میگردد.(بنیسی،۲۰،۱۳۸۶).

طرح و نقش و رنگ در قالی ترکمن:

طرح یا نقش در نزدترکمن گل خوانده میشود .هنری است که تجریدی به این معنا که بافنده ترکمن با توجه به اشیا ، خطوط ذهنی ، عوامل طبیعی موجود در محیط زندگی خواسته ها و اعتقادات و باورهای خود طرحی نو در می اندازد.به طور کلی نقوش ترکمن به سه دسته گیاهی ، نقوشی که از لوازم و اسباب ضروری زندگی نشات گرفته اند و حیوانی طبقه بندی می شود.جان تامپسون ویژگی نقوش قالی ترکمن را اینگونه توصیف می کند ویژگی بافت ترکمن (گل) است . هرکسی روزگاری عملا در این اندیشه رفته است که این نقش های دقیق چه معنایی دارند اغلب نظریه ها می گویند که نقش های قالی ترکمن نشانه نظم آبیاری مزارعه ، چادرهای یک اردو و انواع گل است .«در خصوص انواع فرشهای ترکمن ، احمد دانشور در فرهنگ جامع فرش هجده طرح اصلی و شناخته شده ترکمن را ارائه داده است»(دانشگر،۱۳۷۶،۳۳۵). گل ها دارای نماد هایی هستند که با نمادهای آریایی به ویژه در ایران پیوند میبابند ، همان سان که نقش ترنج در فرشها و سایر دست آفریده های هنری ایران ریشه ای باستانی آیینی دارد .گل این فرش ها نیز مفاهیمی همانند میباشند.(ترجمه ناز دیبا ، ۲۵۳۶). در ایران فرشهایی از پشم زبر که در اطراف دارای ریشه های نخی است خواهی دید.این فرشها بهترین انواع فرش عالم و رنگ های آن بهترین و زیبا ترین رنگ هاست.(ریشارد هلکوت.جهانگرد انگلیسی). اندیشه دیگر این است که نقش های ترکمن از طرح های درهم رفته و رایج دوره تیموری گرفته شده است . این نظریه مبتنی بر شباهت گل های ترکمن است . با نقشهای قالیهایی که در منیاتورها تصویر شده است . متاسفانه شباهت فقط سطحی است . از طرح های معرف :قاشقایی (وجه تسمیه قاشقی این است که در متن این طرح شکل هایی مانند دست های منبت کاری شده قاشهای دوغ خوری ایلیاتی دیده می شود) طرح آخان ،طرح چهار فصل که مربوط به بافت های ایل تکه می باشد .که زمینه فرش با خارج کوچکی که در وسط آن طراحی شده به چهار قسمت تقسیم می شود رنگ های مورد استفاده در قالی ترکمن محدود بوده و شامل چند رنگ اصلی (سفید ، سیاه ، قهوه ای یا طلایی ، سورمه ای ، شیری ، لاکی ، توسی ، سبز ، آبی آسمانی می باشد)

اسطوره :

اسطوره ها منشا تاریخی معلومی ندارند و مضامینی چون منشا جهان ، آفرینش انسان،جنگ خدایان و قهرمانان یا مصائبی را که بر اقوام کهن رفته در بر می گیرند.برای اقوام اولیه ،اساطیر ،اساس باورها و اعتقادات مذهبی به شمار می رفت و انسان به وسیله آن ها پدیده های هستی و طبیعی را تبیین و تفسیر می کرد. (داد،۱۳۷۵،۲۶).اسطوره ،تاریخ تحقق نیافته و عینیت نپذیرفته است که در داستان های اقوام و ملل به گونه ای آرمانی و خیال انگیز تبلور یافته است.اساطیر بر روایات شفاهی متکی اند و محتوای ان ها با منطق تاریخی و تاریخ منطقی مطابقت نمی کند. (پیروز،۱۳۸۵،۱۲۴).مازندران از قدمتی به درازای اسطوره های کهن پیشا تاریخی برخوردار است،چنانکه این واژه "دراوستا مازنه خوانده شده و از آن به نام سرزمین دیوان مازنی "مازنه اینه دئوه" سخن رفته است. (کزازی،۱۳۸۴:۳۴۳).از دیدگاه روان شناختی ،فروید اسطوره ها را جلوه اضطراب و تعارض جنسی می داند.اوتحت تاثیر فریزر است.زیرا او اسطوره را نوعی تمثیل می شمرد" (جعفری،۱۳۸۷،۹)."یونگ در اسطوره به دنبال علائمی است که نشان دهنده تمایل انسان به سوی امر قدسی است.اسطوره ها راهنمای درک کهن الگوها هستند و با بررسی شخصیت های اسطوره ها می توان به شناخت دقیق از کهن الگوها دست یافت.به عقیده یونگ کهن الگوها ،اسطوره ها ،ادیان و فلسفه هایی پدید می آورند که بر ملت ها و تمامی ادوار تاریخی تاثیر می گذارد و هر کدام را متمایز می کند." (جعفری ،۱۳۸۷،۹).اگر خیال پردازی ها را به تصویر بکشیم ،نمادهایی که ظاهر می شوند عمدتا از نوع "ماندالا" هستند.ماندالا به معنای "دایره"و به ویژه دایره جادویی است. (یونگ ،۱۳۸۳،۴۳).با تاکید بر چشم انداز اجمالی به سیر اسطوره شناسی در قرن نوزدهم ،رویکرد روان شناختی به اسطوره ،زمینه های مساعدی برای فرضیه های الیاده ساخت:به عبارت دیگر اسطوره ها بیانگر تاریخ آغازین هستند که پیش از تاریخ واقعی انسان ها قرار می

گیرند،تاریخی که انسان هنوز به آنچه امروز هست ،یعنی به موجودات فانی خود به جنسیت و به اجتماعی بودن و لزوم سازمان یافتگی نظم کار پی نبرده است. (جعفری،۱۰،۱۳۸۷).اسطوره همراه دیگر تجارب جادویی ،مذهبی،آدمی را به دورانی که مبسوق به عدم زمانی نیست وازلی ،یعنی زمان فجر و "بهشت آیین "، و ماورای تاریخ است، باز می گردد.(الیاده ،میرچا،ترجمه ستاری ،۴۰۱،۱۳۷۶)."

جامعه آماری:

انسان بر اساس طبیعت خود-نماد های گوناگونی آفریده است ، ین نماد ها در هنر در سطوح مختلف و بر طبق اعتقادات و رسوم اجتماعی که الهام بخش هنرمند است عمل میکند.شاید اولین نماد ها نماد هایی باشند که بر اساس پرستش و تقدیس طبیعت خلق شده اند.(گیتسی، ۱۸، ۱۳۷۸).انسان در سیر دوران زندگی خویش ابتدا تحت تاثیر قدرت و نیروی پر رمز و راز برخی حیوانات شروع به پرداختن اسطورها و نمادهای مربوط به آنها میکند پس متوجه زمین حاصل خیز و رشد و نمو گیاهان شده و در کانون توجهش به آسمان ها و افلاک معطوف میشود و اسطورهها و نمادهایی گوناگونی برای این مظاهر طبیعت می آفریند.(ستاری،۱۴۸،۱۳۷۴). وقتی زیبایی در فرش پایدار میگردد که عوامل حاشیه و متن در ارتباطی بینابین ،یکدیگر را حمایت کنند.حاشیه کار بست طرح را انجام میدهد و قالی برای تجمع عناصر پراکنده و تمرکز بصری است.چنانکه میدانیم حاشیه مانند سطحی بسته عمل میکند و سطح بستر پایدار تر از سطح باز و بی حد و مرز است»(گپس ،۱۶۷،۱۳۷۹). در طرح های صندوقی که قبلا توضیح داده شده ، علاوه برصدوق یک سماور انتزاعی نیز در ترنج میانی فرش بافته شده است در متن اصلی به رنگ قرمز لاکی است که مهر مادرانه رانشان میدهد و عشق زن به همسر ، و رنگ سرمه ای که نشان از چشم نظر است به این معناست که اهل خانه را از چشم بد بدور نگه دارد.

نمونه ای از طرح صندوقی

نمونه ای از طرح جنگلی

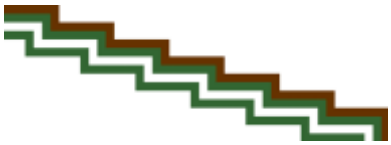

:نگاره آب روان (او)

نگاره طاووس

نگارههای پرندگان به صورت پراکنده در فرش به چشم میخورد

نگاره قوش (گنجشک)

نگاره آهو

نگاره گوزن

نگاره کل (بز)

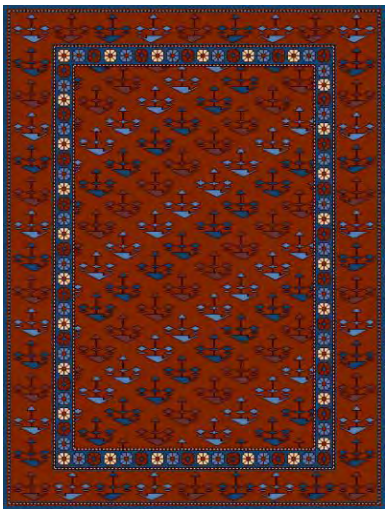

بازیابی طرح قدیمی شمله ای

بازیابی طرح قدیمی گل مخملی

طرح های شمل ای و گلمخمل از طرح هایی است که امروزه منسوخ شده است که هر دوی این طرح باتکرار اشکال واگیره ای در سرتاسر متن یا زمینه فرش شکل میگیرد .

بازیابی طرح قدیمی ورسن گلی

طرح ورسن گلی که یکی از طرح های زیبای فرش کلاردشت میباشد شامل اشکال حیوانی و گیاهی است که زمینه اصلی فرش به دو قسمت تقسیم میشود که زمسنه اصلی به رنگ قرمز یا لاکی است و سرمه ای که در نزد مردمان کلاردشت نماد دوری از چشم بد است در میان فرش نمایان است که باز وجود حیوانات و گیاهان در زمینه سرمه ای نشان از جوشش و زندگی رانمایان میکند و در مرکز که هنرمند از رنگ لاکی استفاده کرده که باز به این نکته اشاره میکند که در میان بدی ها و نگاهای شرباز میتوان مهر و عشق و دوستی را پیدا کرد..

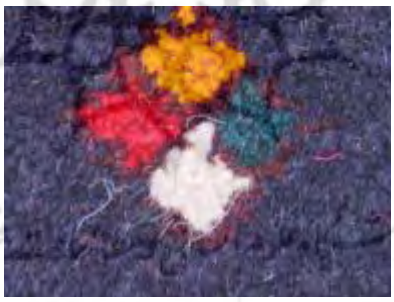

نگاره چهارگوش حلوا قجل

نگاره هشت گوش معجمه

این نگارهها به صورت اشکالی با خطوط محیطی شش یا هشت ضلعی هستند.

نگاره دایره ای ورگه چنگ(جای پای شگ نگهبان شکاری در برف)

نگاره گیاهی گل لاری

نگاره جانوری کل (بز کوهی)

نگاره حاشیه ای پیچاچنگ

نگاره متنی کلاهی(کلاه سلطنتی که خان های محلی بر سر می گذاشتند)

نگاره قابی صندوق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاره جانوری بلبلک(پروانه)

نگاره زن

نگاره دار

نگاره دار (درخت)نگاره دار (درخت)که کلمه دار به زبان محلی درخت نامیده میشود –یکی دیگر از اشکالی است که هنرمند از طبیعت خود الهام گرفته است.

نگاره پمپال (چراغ روشنایی)

نگاره لمپا(فانوس)

نگاره لمپا که به زبان محلی است و به معنای فانوس میباشد وسیله ای است برای روشنایی که هنرمند با بهره گیری از این وسیله که جزئی از ابزار و وسایل خانه است در خلق اثر هنری خود از آن الهام گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طرح های رایج فرش ترکمن

نقش پرنده(.مآخذ:ا میر حاجلو)

قوش در معنای گنجشک یا مرغ به کار می رود .مرغان، بارها به عنوان نماد فرشتگان، یعنی برترین حالات وجود، یعنی نفس پاک و پاکیزه به شمار آمده اند .این موضوع از آیه ی ۱ سوره ی الصافات دریافت می شود و واژه ی «الصافات»در این آیه به معنای ظاهری و تحت اللفظی، کنایه از مرغان است که به صورت رمزی در حق فرشتگان به کار رفته است،(ستاری ،۱۴۸،۱۳۷۴).

نقش پرنده پرنده یا کبوتر، از مفاهی م نمادین و رمزی است .به خصو ص در ارتباط با اصول نجومی و معتقدات اساطیری، پرنده از دورا ن پیش از تاریخ در هزار هی چهار م پیش ازمیلاد دربین النهرین و شوش و دوران های بعدی دارا ی مقام و منزلت ویژه بوده است و دردور هی اسلامی نیز کماکان، به عنوان نماد از آن استفاده کرد هاند، (نصرتی،۱۱۹،۱۳۸۵).

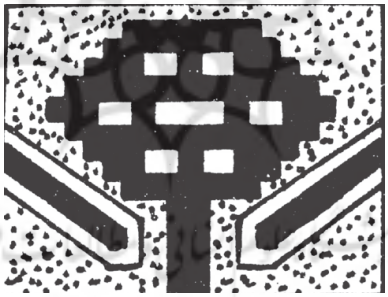

نقش سکر گیشیک، آبن بات؛ خروس قندی(.مآخذ :حصوری،۷۵، ۱۳۷۵) **گیشیک** این نقش به معنای خروس قندی می باشد .خروس، نماد سروش است،(هانگلرین، ۱۳۷۵) .براساس تعالیم زرتشت، این مرغ مومنان را بیدار می کند و آنها را به نیایش صبحگاهی می خواند .مومنی که هوای نفس را از خود دور می کند و به صدای خروس به گونه ی سرزنده ای برمی خیزد، اولین کسی خواهد بود که وارد فردوس می شود،(خزائی ،۸،۱۳۸۶).

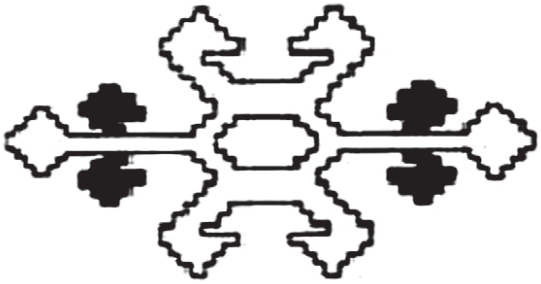

نقش آق غاز(.مآخذ ۲۷۵ ،2007, stone)

نقش آق غاز :این نقش به معنی غاز است و در تاریخ اسلامی یادآور ممانعت غازها از رفتن حضرت علی(ع)به مسجد برای جلوگیری از شهادت ایشان می باشدکه شامل هشت سر پرنده است که چهارتای آن ها تیره وچهار تای دیگر روشن هستند که نمادی از چهار فصل، عناصر اربعه ، چهار رکن زندگی یعنی اول، آخر، ظاهر ، باطن و بهشت می باشد .چون مطابق تعاریف پیامبر، بهشت چهارگوشه بوده است، (تناولی ،۱۳۸۳ ، ۱۹).

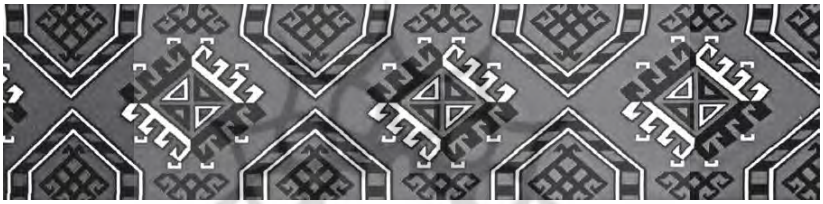

نقش آق غاز(.مآخذ stone , 2007,275)

نقش آق غاز(.مآخذ stone , 2007,275)

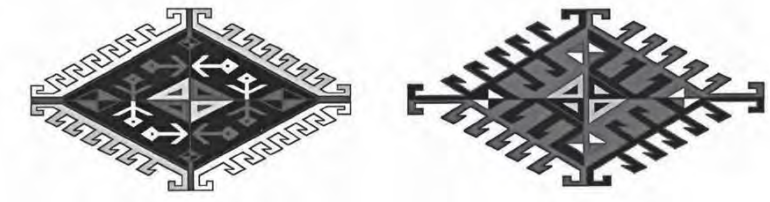

نقش آق غاز(.مآخذ stone , 2007,321)

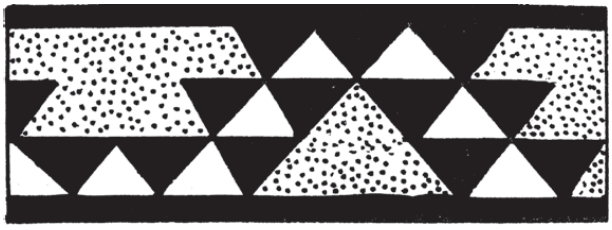

نقش حاشیه طاووس(.مآخذ :حصوری، ۱۳۷۱ ، ۵۸)

این نقش به معنی طاووس است. نقش طاووس در میان قرص خورشید یا همراه با درخت زندگی جایگاه مهمی را درهنر ایران به خود اختصاص داده است .این نقش اغلب با مفاهیم مذهبی همراه می باشد .در دوران باستان این نقش به مثابه ی مرغی مقدس مورد توجه بوده است، (خزائی،۸،۱۳۸۶). حضرت علی(ع)در نهج البلاغه خطبه ی ۱۶۵ از طاووس، به عنوان شگفت انگیزترین پرندگان در آفرینش یاد می کند و رنگ پرهای آن را با پارچه های زیبا و پر نقش و نگار یمنی مقایسه می کند،(نهج البلاغه ،۳۱۳).

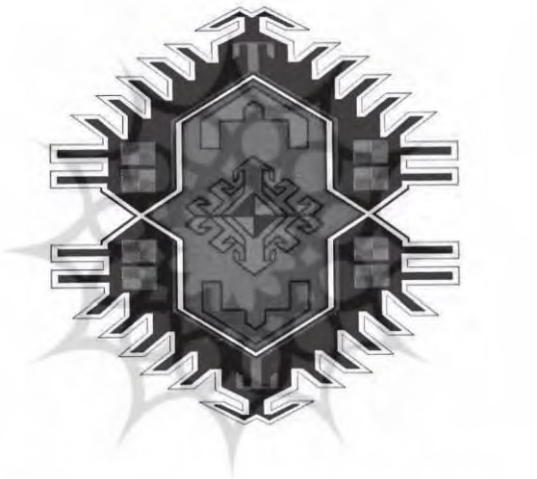

نقش طغور گل یا عقاب(.مآخذ stone , 2007,321)

نقش طغور :این نقش به معنای عقاب است .در هزاره ی چهارم پیش از تاریخ، عقاب نماد» مرغ خورشید « بوده است (ژوله، ۴۷،۱۳۸۱). عقاب یا شاهین سمبل شمس تمام خدایان آسمان، قادر اس ت تا دوردس تها به پرواز درآید و به شکلی خستگی ناپذیر عقاب در بین اقوام ترک، توتم شجاعت، سحرخیزی، تک همسر گزینی، خوراک پاک و تازه است(جدی، ۵۱،۱۳۸۷). عقاب انتزاعی طرح ها، نیاز جان[بافنده ی معروف ترکمن]را با داستانی تاریخی، به یاد طغرل بیک رهبر فاتح ترکمن های ایران می اندازد و این که عقاب را طغر می گویند(بداغی، ۱۷،۱۳۷۱) ترکمن ها به عقاب طغور می گویند.

یکی از شاخصه های اصلی بافت های ترکمنی استفاده از نقش مایه ی (اَلم (تنها در ابتدای جوال ها و در بافت فرش هم در ابتدا و انتهای فرش مورد استفاده قرار میگیرد نمونه نقش مایه های استفاده شده طرح گل ها یا درختچه های کوچک را نشان می دهد.

قابسه گل/ قبسه گل

این نقش متعلق به طایفه جعفربای و ملهم از پرنده ای است که در سواحل دریای خزر زندگی می کند , و در میان چهارپایان تخم می گذارد.شکل اصلی معمولا دارای دو محور است و این محورها فقط در پهلوها تا منتهی الیه کنگره‌ها ادامه می‌یابند و به این ترتیب معمولا تمام گل به وسیله این دو محور به چهار قسمت متقارن تقسیم می‌شود. دسته‌ای از گل‌های ترکمن به نام ایل معروفند و معمولا با نام ایل به کار می‌روند، مثل سالور گل، تکه گل و قدیمی‌ترین نمونه‌های قالی ترکمن تاکنون، اینها مهم‌ترین نقش مایه‌های قالی این قوم بوده‌اند و در واقع بیش از هر نماد یا نشان دیگری، دلیل وابستگی بافته به ایل ویژه‌ای‌اند. دقت در این گل‌ها چیزی از علائم قومی، مثل نشان یا توتم را به دست نمی‌کند. این گل‌ها اساسا هشت ضلعی‌اند اما گاه تغییراتی می‌کنند. در این تغییرها، زائده‌ها یا تزیین‌هایی به قالب اصلی اضافه می‌شود. تغییراتی بیرون هشت ضلعی‌ها، اضافه شدن قطعات ذوزنقه شکل است که در همه اضلاع صورت می‌گیرد؛ ولی هیچوقت بیش از نیمی از طول ضلع را نمی‌گیرد. در دو ضلع جانبی کنگره بزرگی هم افزوده می‌شود که ذوزنقه را در بر می‌گیرد. در درون هشت ضلعی ممکن است هشت ضلعی دیگری، یک تا سه چهار ضلعی تو در تو یاشکل‌هایی با اضلاع موج دار پدید آیند. در فاصله این شکل‌ها تزیین‌های اضافه‌تری مثل گل (شبدر، گشنیز یا جعفری)، مرغ، میله بندی، خاج، ضربدر و ... قرار می‌گیرد و به این ترتیب مجموعه گل به صورت یک نقش پیچیده اسرار آمیز جلوه می‌کند.

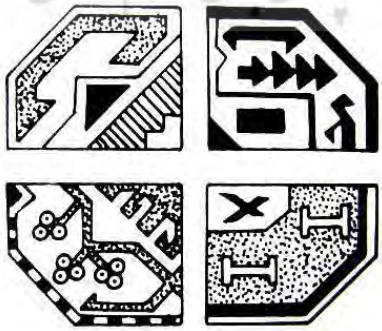

گل یکی از نقش مایه‌ها و طرح‌های رایج قالی ترکمن که اکنون در فرش‌های ترکمن دارای بیش از بیست شکل مختلف و به ویژه نوع خاصی در هر ایل، طایفه یا حتی تیره است، همان چیزی‌ست که در میان همه ترک زبانان هم به گول معروف است و در میان عشایر و روستاییان فارسی زبان حوض نامیده می‌شود. گل ترکمنی همان ترنج ایرانی است و در نقشه قالی‌های

ترکمنی تکرار می‌شود. این نوع نقشه، یعنی نقشه با گل‌های تکراری (ترنج ترنج) تا پیش از دوره تیموری در قالی‌های گران‌بها و درباری ایران رایج بوده است و در مینیاتورهای قرن‌های هشتم و نهم و اوایل قرن دهم هجری دیده می‌شود. اکنون گل‌های ترکمن دو دسته اند: دسته‌ای بسیار شبیه به هم، به طوری که اگر آنها را با هم مقایسه کنیم، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که احتمالا سرچشمه همه آنها یکی بوده و در ذوق آزمایی‌های قومی از هم فاصله گرفته‌اند.

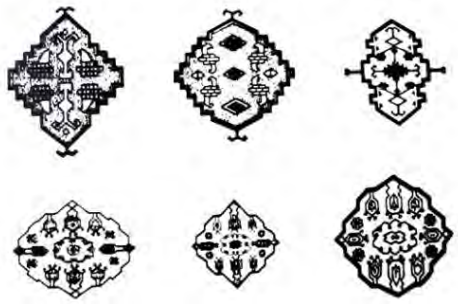

دسته دیگر گل‌هایی که شباهتی به سایر گل‌ها ندارند و احتمالا هر یک سرچشمه جداگانه‌ای داشته‌اند، از جمله

ساندوق (صندوق) را هم باید از انواع حوض شمرد؛ دسته دیگری از نقش مایه‌های ترکمنی مانند قچک؛ بوینوز یا موینوز (شاخ)؛ آلتی ایپ (شش بند)؛ دورلی قچک؛ قوچکر؛ همه انواع قوچکرک؛ موئیز (شاخ)؛ عمده‌ای از انواع پودک؛ سینک؛ زنجیر لیک؛ شخک؛ سکیز کله (هشت کله) و حتی او شورمه همه دارای یک سرچشمه هستند و می‌توان آنها را با هم مقایسه کرد.

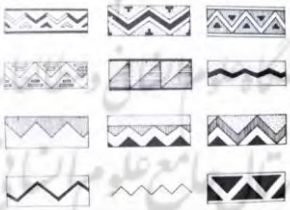

چند نمونه از طرح‌های رایج قالی ترکمن

مارگل – نماد قوم ترکم

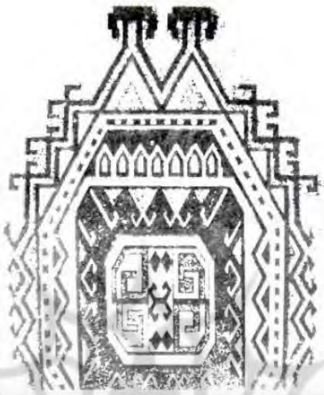

طرح آینه گل، متعلق به طایفه جعفر بای، ساکن شرق دریای مازندران

نقش عقرب، متعلق به طایفه تکه

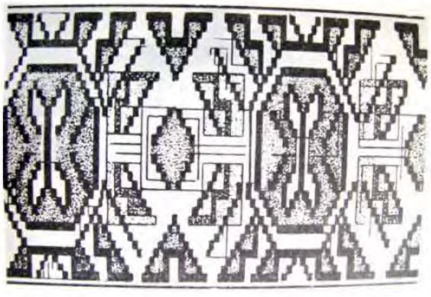

قابسه گل، متعلق به طایفه جعفربای، این نقش لانه پرنده‌ای است که در سواحل دریای مازنداران، در میان چارپایان تخم می‌گذارد و مورد احترام آنهاست

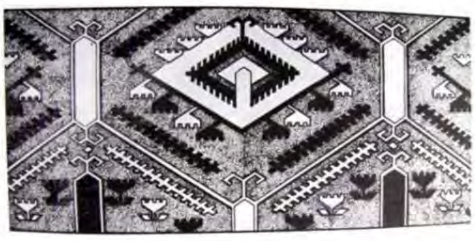

گرمج یا حصار. نقشی متعلق به طایفه تکه. وسیله‌ای است که در اطراف جای چارپایان کشیده می‌شود که در اینجا با فرش بافته شده است

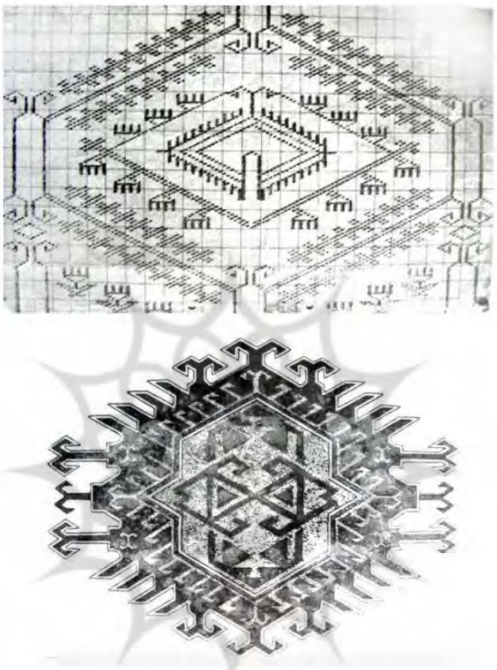

درناق گل، متعلق به طایفه جعفربای

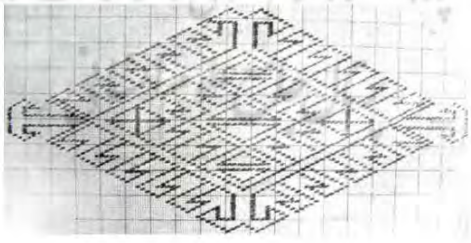

طرح درناق گل، کار استاد نیازی با الهام از کتاب مشکووا

مار گل، نماد قوم ترکمن

کاروان شتر

همانگونه که می‌بینید اکثر نقشمایه‌ها نام ترکی دارند؛ ولی ممکن است در میدان هر قوم دیگری دیده شوند مثلاً داراق (شانه) از منتهی الیه شمال قفقاز تا میان لرها قشقایی‌ها و بلوچ‌ها؛ سو (آب)، آق سو (آب روشن) حاشیه باریکی است که در تمام ایران آب یا راه نامیده می‌شود، آل منجیک (منجوق سرخ) حاشیه‌ای از دامنه های ریز است که در ایران منجوق مروارید و امثال آن نامیده می‌شود.

بحث و بررسی

وجود اشکال و حیوانات مشابه در دست بافته های کلاردشت و ترکمن ، می توان به این نکته اشاره کرد که ، طبیعت گرایی و ساختاری شبیه به دستبافته های سبک عشایری در این بافته خیلی به دور نیست . عموما نقش ها در هردو به صورت ذهنی بافت بوده و آموزش سینه به سینه از مادران به دختران منتقل شده است ، پس دستخوش تغییرات چندانی نشده است.سالیان طولانی این بافنده ها از طرح هایی تکراری استفاده میکردند که این طرح ها ملکه ذهن انها شده بود .و در طول زمان با تغییرات ناچیزی به صورت مستمر ادامه یافته است. این نقوش زیبا طبق فرهنگ و منش مردمان دو قوم به صورت انتزاعی بوده که بافنده تصمیم گرفته این تصاویر را به صورت مکتوب شده در آورد و تصمیم گرفت تا این اشکال به صورت بافته ها در بیاید، تا به نسل های بعدی این اشکال را انتقال دهد . هر دو قوم به مرور زمان تغیراتی ناچیز در اشکال مورد استفاده خود به وجود آوردند که میتوان حتی به مسایل اجتماعی روزمره خود این امر را نسبت داد.به هر حال می توان به این نکته اشاره کرد که هدف مشترک هر دو قوم برگرفته از محیط پیرامون زندگی خود است. ترکمن ها در نقوش خود از جلوه های طبیعت و نیروهای خیر و شر در دست بافته های خود استفاده می کردند.نقوش حیوانی را به طور کامل از بافته های خود حذف نکردند ، بلکه تغییراتی در حذف دم و بال و شاخ آن داده اند.بعضی از این نقش ها را بر اساس باور های خود و بعضی را براساس مجاورت با فرهنگ های همسایگان خود بدست اوردند. در فرش کلاردشت طرح ها بیشتر به صورت تکراری در قسمت حاشیه فرش نمایان است و در مرکز یا داخلی فرش اشکال جانوری و گیاهی بیشتر به چشم میخورد که همه این اشکال برگرفته از محیط اطراف هنرمند میبا شد که به صورت کاملا ذهنی بافته شده است.در بافتههای مردمان کلاردشت بیشتر اشکال حیوانات و گیاهان هستند. بافنده میخواهد به این نکته اشاره کند که این اشکال حیوانات و گیاهان در کنار هم و خطهایی که به صورت موازی یا

شکسته در اطراف این موجودات قرار دارد همان کوهها هستند که اطراف زندگی بافنده را احاطه کردند . انسجام طرح ها در تمامی بافته ها زیاد به چشم نمی خورد ولی می توان به این نکته اشاره کرد که طرح ها به صورت تکرار شده و منسجم بیشتر در قسمت حاشیه فرش بیشتر نمایان است. هر یک از طرح ها در فرش کلاردشت و ترکمن دارای یک مضمون خاص هستند و واقعا نمیتوان به طور یقین به این مطلب اشاره کرد که واقعا در ذهن بافنده چه بوده که این طرحها را توانسته است به تصویر بکشد ، ولی با بررسی بعضی از این طرح ها می تئان به این نتیجه رسید که در فرش کلاردشت طرح ها همانطور که در طبیعت نمایان هستند به صورت واضح تری مشخص شده اند.ولی در فرش ترکمن که این طرح ها بجز طرح هایی که به صورت اشکال حیوانی یا گیاهی هستند، بقیه طرح ها که گل خوانده میشوند دارای رمز و نگارهایی خاص هستند که همانطور که اشاره شده است به علت فراوانی در قومیت این قوم ،دارای مفاهیم خاص تر و پیچیده تری هستند. در فرش ترکمن طرح ها بیشتر منسجم تر و اتحاد بیشتری دارند در صورتی که در فرش های کلاردشت این انسجام در مرکز بیشتر بوده تا در اطراف . در کل نقوش به صورت ذهنی بوده و هندسی بوده. طرح عقرب مورد استفاده در قالیهای ترکمن حاکی از آن است که این موجودات در اطراف زندگی ترکمن یافت میشده است که هنرمند آن را به صورت نقش به تصویر کشیده است. گلها در فرش ترکمن به دسته های مختلفی تقسیم میشود که این گروه ها هر کدام تفاوت هایی باهم دارند.این گلها که به صورت چند ضلعی نمایان هستند بعضی از آنها در داخل ضلع به صورت طرح هایی پراکنده دارند و دور گیری های انها به صورت پله کانی است و بعضی به صورت ساده و بدون شیب هستند. اکثر گلها در انتهای گوشه های خود دارای شکلی به صورت چنگک میبا شد . دقت در این گل‌ها چیزی از علائم قومی، مثل نشان یا توتم را به دست نمی‌کند. این گل‌ها اساسا هشت ضلعی‌اند اما گاه تغییراتی می‌کنند. در این تغییرها، زائده‌ها یا تزیین‌هایی به قالب اصلی اضافه می‌شود. تغییراتی بیرون هشت ضلعی‌ها، اضافه شدن قطعات ذوزنقه شکل است که در همه اضلاع صورت می‌گیرد؛ ولی هیچوقت بیش از نیمی از طول ضلع را نمی‌گیرد. در دو ضلع جانبی کنگره بزرگی هم افزوده می‌شود که ذوزنقه را در بر می‌گیرد. طرح های صندوقی در هر دو قوم کلاردشت و ترکمن وجود دارد ولی اشکال درحالت کلی با هم تفاوتهایی دارند، به این صورت که در بافته های کلاردشت این بافته ها به صورت طرح بزرگ به صورت تکی یا دو تایی دیده می شود و در مرکز این طرح ها از اشکال زندگی روزمره هنرمند مانند سماور استفاده شده است.در قالی ترکمن این نقش ها تنوع بیشتری دارد. طرح های تلفیقی در فرشهای کلاردشت در گذشته وجود داشته که نمونه طرح های تلفیقی ترکمنی بودند ، که استفاده میکردند ، بخاطر اینکه این طرح ها ، طرح اصیل کلاردشت نبود متوقف شد . از طرح های اصیل کلاردشت فقط میتوان به طرح های صندوقی ، جنگلی و طرح های قدیمی فراموش شده اشاره کرد .در فرشهای ترکمن ، طرح ها ی اصیل ترکمن به صوت گل نمایان هستند ، که همان ترنج ایرانی هستند .این گلها در حاشیه و متن به صورت واگیره ای تکرار میشوند و معمولا ضخامت این طرح ها در بافت زیاد است.این گلها به صورت چند ضلعی هستند و اشکال حیوانات و گیاهان در این گلها قرار میگیرند.اشکال گیاهان و حیوانات به صورت کامل واضح نیستند ولی میشه گفت به صورت نمادین پیام و مفهوم اینکه هنرمند در ذهن خود به چه می اندیشید را میتوان یافت. این طرح ها که درکل فرش به صورت تکراری نمایان هستند به صورت یکدست در حال تکرار شدن هستند اعضای بدن حیوانات معمولا به صورت نمادین و غیر واضح در فرش ترکمن نمایان است ولی در فرش کلاردشت اشکال حیوانی به صورت واضح تر و پراکنده تر نمایان است. چنین به نظر میرسد که نقش گل اهمیت آن بیشتر از اشکال حیوانات یا جانوران است ، و شاید علت هم همین باشد به علت قومیت زیاد مردمان ترکمن ، هر یک برای خود گلی را نشان همان قوم دانسته و سعی به حفظ آن کرده اند ، به طوری که این طرح ها حتی در پارچه های مردمان ترکمن به وفور یافت می شود . در فرش های کلاردشت اشکال کوه و جوی آب روان بیشتر در حاشیه فرش قرار میگیرد که میتوان به این اشاره کرد که اطراف زندگی هنرمند از کوه و جوی های روان تشکیل شده است که همه اینها نشات گرفته از هنر ذهن هنرمند است که به زیبایی این طرح ها را بر روی بافتههای خود انتقال داده است. مقایسه بین طرح پای اسب(نقش آت ایاقی)در بافته های ترکمن با نگارههای دایره ای ورگه چنگ(ردپای گرگ در برف)در میابیم که تصاویر در بافته ای مردان کلاردشت واضح تر و واقعی تر به نظر میرسد. و این شکل به صورت ساده تر در بافته ها ی کلاردشت به تصویر کشیده شده است ولی آنچنان که بیان شده است چون طرحها در بافته های ترکمن به صورت غیر واضح و

نامشخص تر نسبت به بافته های کلاردشت است ،پس به این نتیجه میرسم. در بافته های مردمان ترکمن به علت اینکه قومیت های مختلفی وجود دارد ، هر قوم طرح های مشخص شده و منحصر به فرد خودش را دارد که نشان دهنده همان قوم میباشد.در بافته های ترکمنی استفاده از نقش مایه ی (آلم (تنها در ابتدای جوال ها و در بافت فرش هم در ابتدا و انتهای فرش مورد استفاده قرار میگیرد. رنگزاهایی که این دو قوم در بافته های خود استفاده میکردند مشترک بوده که رناس و قرمزدانه از رنگزاهای طبیعی بوده که مورد استفاده قرار میگرفته است ، بافنده همزمان که کار بافندگی را خودش انجام میداده ، این رنگزاهای طبیعی را از طبیعت پرامون خود تهیه میکرده ، و با پشم های حیوانات خود ، رنگرزی میکرده. رنگ قرمز(لاکی) در قالی های کلاردشت و ترکمن به وفور دیده میشود. میتوان گفت رنگ قرمز (لاکی) ، رنگ مشترک دو قوم ترکمن و کلاردشت است که به وفور در بافته های این مردمان دیده میشود. رنگزا های طبیعی مورد مصرف در قالی های کلاردشت و ترکمن شامل برگ درخت توت ، برگ و ساقه های درخت آل ، نیل ، روناس ، قرمز دانه و پوست گردو است . که به صورت طبیعی از طبیعت پیرامون زندگی تهییه می شده است. رنگ بندی در فرش کلاردشت عموما لاکی در متن و سرمه ای در حاشیه است ، گاهی هم رنگ سفید به عنوان رنگ غالب مرسوم بوده است ، سرمه ای نماد کینه و قرمز لاکی نماد عشق مادر به فرزند و زن به همسر میباشد. در روایاتی زمینه قرمز فرش های ترکمن و جوال های زیبا را به آتش پرستی ترکمن ها الهام داده اند.ترکمن ها به علت وجود دام و شرایط زندگی کوچواره ای ، آتش را به عنوان حافظ خود از سرما ی شدید میدانستند. در فرش کلاردشت نگارههای هشت گوش معجمه ای که به صورت خطوط محیطی شش یا هشت ضلعی هستند ، شباهت زیادی به نقش آت آیاقی در بافته های ترکمن دارند. در بافته های کلاردشت بیشتر طرح ها شناسنامه خاصی ندارند در مقایسه با فرش ترکمن،در فرش ترکمن گلها به صورت اصالت و شناسنامه در جایگاه خاصی است که مختص خود مردمان ترکمن هستند،ولی در بافتههای کلاردشت طرح ها و نقش ها یی که در بافته های مردم ترکمن هم یافت میشود . استفاده شده معمولا در تمامی ایران که بافنده به صورت ذهنی بافی انجام میدهد ، قابل مشاهده است.که با تحقیق و بررسی این طرح ها به راحتی میتوان به این نکته پی برد.

نتیجه گیری:

در این مقاله تلاش شده است تا ویژگی های فرش کلاردشت و فرش ترکمن از نظر نقوش و طرح و رنگ مورد مطالعه قرار گیرد و به مقایسه ، شباهت ها و تفاوت های موجود در این نوع فرشها پرداخته شود. پس از بررسی های انجام شده بر روی قالی های کلاردشت و ترکمن مشخص شده که یک سری شباهت های اصلی در نقوش هر دو وجود دارد و آن این است که هر دو انتزاعی و ذهنی بوده و برگرفته از عادات و رسوم هر منطقه می باشد . طرح و نقش در فرشهای ترکمن بخاطر اینکه تنوع قومی در این منطقه بیشتر است از اصالت بیشتری و تنوع فراوان تری برخوردار است و بیشتر از نقوش گل استفاده شده است.طرح ها بیشتر تکراری و واگیره ای درمتن و حاشیه فرش قرار میگیرند.در فرش کلاردشت هم بیشتر نقوش از طبیعت ، حیوانات و اشکال پرندگان و گیاهان هستندکه به صورت پراکنده خلوت در متن فرش نمایان هستند. از دیدگاه رنگشناسی هم رنگ قرمز (لاکی) بیشترین کاربرد را در متن فرش ، چه در بافته های کلاردشت و چه در بافته های ترکمن دارا میباشد. باید گفت که در رنگرزی این دو قوم رنگزاهای مشترکی داشتند و رنگ قرمز مشترک ترین رنگ است بین این دو قوم،تفاوت اساسی در نقش مایه های فرش کلاردشت و ترکمن ، همان طور که در بحث و بررسی توضیح داده شده است اصالت طرح گل در فرش ترکمن ، مخصوص این قوم بوده ، ولی طرح های حیوانات و گیاهان به صورت مشترک در بافته های این دو قوم دیده می شود.

منابع

حصوری ، علی ،نقشهای ترکمن و اقوام و همسایه
ملک پور ، علی ، (۱۳۷۸)؛ «تاریخچه کلاردشت»
ولی پور ، جعفر-نوشیر سارا«کتاب شهر کهن چالوس»
عابدینی ، (۱۳۸۶) ،«احیا ئ بررسی طرح ها و نقوش کلاردشت»
حیدریان، ح،خ،(۱۳۷۳)،«بررسی نقوش بافته های کلاردشت»
مجابی ، س.ع.(۱۳۸۵)،«سیر تحول جغرافیای بافت قالی کلاردشت جهت احیا آن »
مجابی ، س.ع.(۱۳۸۶)،«سیر تحول جغرافیای بافت قالی کلاردشت جهت احیا آن »
ژوله ، ت.(۱۳۸۱) ، پژوهشی در فرش ایران، انتشارات یساولی ،چاپ اول
ساجدی ،(۱۳۸۴)«پایگاه داده های علوم زمین»
ملک پور ،ع، (۱۳۷۸)، کلاردشت (جغرافیا، تاریخ و فرهنگ)
هال،(۱۳۸۰)
توماج نیا، (۱۳۸۵) ، نقش درخت زندگی در فرش های ترکمن
متحدین،ژ.(۱۳۸۱)، دانشنامه کوچک ایران،انتشارات قوس
بو گو لیوف، ژان، (۱۹۰۸)انتشارات موزه فرش ایران ، ترجمه ناز دیبا .
دانشگر،(۱۳۷۶)
کاووسی ، فاطمه،زیبایی بر تارو پود قالی
آذر پاد ، حسن، حشمتی، فضل الله، (۱۳۷۲) فرشنامه ایران.
گپس، جئورگی ، زبان تصویر ، ترجمه فیروزه مهاجر،تهران ،شقایق روستا، (۱۳۷۹)
بنیسی،علیرضا ، (۱۳۸۶)، قالی ترکمن هنری از دست رفته و در حال احتضار، فرش دستباف ایران.
گیتسی، جاتین ،(۱۳۷۸)، اسطوره و نشانه شناسی در ارتباط با فرش های شرقی
ستاری ، جلال، (۱۳۷۴)، اسطوره و رمز
همدانی، (۱۳۷۱)
خانجانی ، حصل ، مدیر عامل شرکت فرش ماندگارترکمن
دهخدا، علی اکبر،لغت نامه دهخدا
جدی، حسین،(۱۳۷۸)پژوهشی در فرش ایران،تهران
خزایی، محمد،|(۱۳۸۶)،نقش نمادین طاووس در هنرهای تزیینی ایران،کتاب ماه هنر
حشمتی ، فضل الله ، چاپ سوم ۱۳۸۰
نصیری ، محمد جواد ، «افسانه جاویدان فرش ایران ، فرهنگسرای میردشتی»
بلاغی، ذبیح ا ....نیازجان و قالی ترکمن .فرهنگان.
دریایی ، نازیلا، زیبایی در فرش ایران (۱۳۸۵)
کبیری ، فرانک-امیر حاجلو، پریسا،«بررسی نقشماسه های جانوری در قالی ترکمن»
مجابی ، سید علی، «طبقه بندی طرحها و نقش مایه های فرش کلار دشت»(۱۳۸۶)